

تجهیز و دفن میت از دیدگاه اسلام

(تاریخ ارسال مقاله ۱۴۰۳/۰۷/۲۵ تاریخ تصویب ۱۴۰۳/۰۹/۲۳)

حامد خانه‌کشی^۱

کارشناس ارشد حقوق خصوصی

آمنه تخله

مدیر و آموزگار مدرسه ابتدایی

چکیده

در پژوهش حاضر به تشریح و تبیین تجهیز و دفن میت پرداخته شده است. تجهیز در واقع آماده کردن شخص متوفی برای تدفین می‌باشد و بر هر شخص مسلمانی واجب است مورد تجهیز و تدفین قرار گیرد. و این امر مراحل و آداب ویژه و خاص خود را دارد و لذا شخصی که فوت گردیده و زندگی وی خاتمه پیدا می‌کند قبل از دفن، باید آداب و اعمالی برای وی انجام داد از قبیل غسل، تکفین، نماز خواندن برای شخص مرده و تشییع. که هر کدام از این اعمال نیز طبق آداب و شرایط خاصی انجام می‌گیرد که مفصلاً در پژوهش حاضر مورد بررسی و تبیین قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: تجهیز، دفن، میت، غسل، نماز، تشییع

مقدمه

میت که در فارسی به آن مرده یا درگذشته گفته می شود به کسی اطلاق می شود که با خروج و مفارقت روح از کالبد وی ، فعالیت های قلبی و عروقی او متوقف شده و اعمال مغزی وی بدون بازگشت از بین رفته باشد که این پدیده آثاری حقوقی چون حال شدن دیون ، انحلال عقد نکاح بین میت و همسرش ، تعیین وراثت متوفی و... را برای او در پی دارد. البته این به معنی نابودی او نیست و میت از این پس نیز از حقوقی برخوردار است که رعایت آنها از سوی شرع بر همگان واجب و الزامی گردیده است .

به عبارت ساده تر از لحاظ لغوی میت به معنای جسد، مرده، متوفا ، درگذشته می باشد و در اصطلاح نیز کسی که روح از بدن وی خارج شده و جسم وی بی جان گردد متوفی، درگذشته و میت می گوئیم. البته از منظر قانونی موت میت شامل همین معانی و موارد نمی گردد بلکه جای بررسی و تفسیر دارد زیرا از لحاظ حقوقی واژه های بیان شده فقط شامل موت حقیقی می گردد و موت فرضی از این معانی خارج می باشد . به عبارت ساده تر موت میت^۱ از منظر حقوقی به دو قسم تقسیم می شود : (۱) یا موت حقیقی است یعنی روح از بدن شخص خارج شده و حقیقتاً فوت گردیده است و (۲) یا طی شرایطی حکم بر موت و مرگ شخص صادر می گردد (موت فرضی) ؛ به طور مثال در فرضی که مدتی طولانی از غیبت فرد بگذرد فرض را بر زنده نبودن وی گذاشته و پس از طی مراحل حکم موت وی را صادر می نمایند و وی را میت و مرده و درگذشته می پندارند. لازم به ذکر است که آثار موت فرضی نیز همانند موت حقیقی می باشد یعنی تمامی آثاری که بر موت حقیقی بار می آید از قبیل تقسیم ترکه ، عده وفات زوجه و غیره بر میت فرضی نیز اعمال می شود و زمانی که حکم موت فرضی

۱ ماده ۱۰۱۹ قانون مدنی ؛

حکم موت فرضی غایب در موردی صادر می شود که از تاریخ آخرین خبری که از حیات او رسیده است مدتی گذشته باشد که عادتاً چنین شخصی زنده نمی ماند .

فردی صادر می‌شود متعاقباً اموال وی نیز به نسبت سهم الاث وراثت تقسیم می‌گردد، زوجه نیز وارد پروسه عده^۱ شده و باید عده وفات نگه دارد و پس از اتمام مهلت عده قانوناً اجازه ازدواج مجدد دارد و می‌تواند با شخص دیگری ازدواج نماید.

بخش اول: بررسی تجهیز و دفن میت

بند اول: اعمال متعلق به تجهیز میت از منظر دین مبین اسلام

مستحب است بعد از مرگ دهان میت را روی هم بگذارند که باز نماند، چشم‌ها و چانه میت را ببندند، دست و پای او را صاف کرده و پارچه‌ای روی او بیندازند، برای تشییع جنازه او مؤمنین را خبر کنند تا وقتی از محل مردن حرکت نداده اند روبرو به قبله باشد و در دفن او عجله نمایند، ولی اگر یقین به مرگ او ندارند، باید صبر کنند تا کاملاً معلوم شود. تعجیل در تجهیز میت مستحب است و در صورت عدم اطمینان به مرگ وی، سه روز صبر می‌کنند. برخی گفته‌اند: ملاک، حصول علم به مرگ است و تحدید به سه روز بدان جهت است که به طور غالب در این مدت علم به مرگ حاصل می‌شود. (نجفی جواهری، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۴، ص ۲۳-۲۵). تقدیم تجهیز میت بر نماز واجب - در صورت عدم بیم از فوت آن - مستحب نراقی، احمد، مستند الشیعه، ج ۳، ص ۷۸. (و عدم شرکت تجهیز کننده آن در نماز جمعه بلامانع است). (محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد، ج ۲، ص ۳۸۹). بعد از مرگ، مستحب است چشم‌ها و لب‌ها و چانه میت را ببندند، دست و پای او را دراز کنند و پارچه‌ای روی او بیندازند و اگر شب فوت نموده است، در جایی که فوت شده، چراغ روشن کنند و برای تشییع جنازه او مؤمنین را خبر کنند و در دفن او عجله نمایند؛

۱ ماده ۱۱۵۶ قانون مدنی؛

زنی که شوهر او غایب مفقودالاث بوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاه دارد. زنی که شوهر او غایب مفقودالاث بوده و حاکم او را طلاق داده باشد باید از تاریخ طلاق عده وفات نگاه دارد.

ولی اگر یقین به مردن او ندارند باید صبر کنند تا معلوم شود و نیز اگر میت زن حامله باشد و بچه در شکم او زنده باشد، باید به قدری دفن را عقب بیندازند که پهلوی او را بشکافند و طفل را بیرون آورند و پهلوی او را بدوزند. میتی که امر تجهیز خود را به غیر ولیّ وصیت کرده است در اینکه نفوذ وصیت او منوط به اجازه ولیّ می‌باشد یا نه، اختلاف است. قول نخست به مشهور نسبت داده شده است. نجفی جواهری، محمدحسن، جواهر الکلام، ج ۱۲، ص ۲۰).

به تعبیر دیگر و به زبان ساده تر هرگاه میت برای کارهای خود شخص دیگری غیر از ولی را معین کند، مثلاً وصیت کند فلان شخص بر من نماز بخواند، واجب است به آن عمل شود و احتیاط مستحب آن است که از ولی هم اجازه بگیرد، اما کسی که میت، او را برای انجام این کارها معین کرده واجب نیست این وصیت را قبول کند، اگرچه قبول بهتر است و اگر قبول کرد باید به آن عمل کند. لازم به ذکر است که تجهیز میت اعم از غسل میت، کفن، حنوط، نماز و دفن میت واجب است با اجازه ولیّ شرعی میت انجام شود و چنانچه شخصی این کارها را با اجازه ولیّ انجام دهد، از ولیّ ساقط می‌شود؛ البته در مواردی که قصد قربت معتبر نیست مثل کفن، حنوط و دفن، چنانچه فردی بدون اجازه ولیّ، آن موارد را مطابق با دستور شرعی انجام دهد، از ولیّ ساقط می‌شود و لازم نیست دوباره انجام شود؛ اما در مواردی که قصد قربت معتبر است، مثل غسل و نماز میت، چنانچه فردی بدون اجازه ولیّ آنها را انجام دهد کافی نیست.

بند دوم: وظیفه مکلفین در برابر تجهیز میت

مکلف، به شخص بالغ و عاقلی گفته می‌شود که مورد خطاب شارع قرار گرفته و احکام شرعی متوجه او می‌گردد؛ به بیان دیگر، مکلف، یعنی شخص بالغ و عاقلی که مورد امر یا نهی شارع مقدس قرار گرفته است. در اصطلاح فقهی، «تکلیف» به عمل و وظیفه ای گفته می‌شود که از سوی شارع مقدس بر عهده بنده گذاشته شده است؛ شخصی که مورد خطاب این تکالیف قرار می‌گیرد نیز «مکلف» گفته

می شود. تکلیف به پنج نوع «واجب»، «مستحب»، «مباح»، «مکروه» و «حرام» تقسیم می شود. البته برخی «مباح» را حکم تکلیفی نمی دانند، زیرا حقیقت «حکم تکلیفی» آن است که وظیفه ای را برای مخاطب بیاورد. طبق معنای اصطلاحی، سنّ شروع وظایف شرعی را «سنّ تکلیف» می گویند و دنیا را «دار تکلیف» می گویند، چون انسان تا زمانی که در این دنیا هست، موظف به انجام وظایف شرعی خود می باشد. عبارت دیگر اصطلاح فقهی، «تکلیف» به عمل و وظیفه ای گفته می شود که از سوی شارع مقدس بر عهده بنده گذاشته شده است شخصی که مورد خطاب این تکالیف قرار می گیرد نیز «مُکَلَّف» گفته می شود.

بخش دوم: تشریح و تبیین تجهیز و دفن میت

اسلام برای تک تک جزئیات مرگ انسان مسلمان برنامه و البته دستورات دارد. این دستورات و احکام حتی از پیش از مرگ و هنگام احتضار آغاز می گردد و تا پس از مرگ و حتی چندین سال پس از آن نیز ادامه پیدا می کند دین مبین اسلام برای انسان مسلمان حرمت خاصی قائل است و حتی بدن بی جان او را نیز محترم شمرده است و به مسلمانان دستور داده است تا حرمت آن را نگه دارند و از تعرض بدان خودداری نمایند از این رو دستوراتی دقیق برای تدفین شخص میت اعلام داشته است که باید مبنای عمل قرار گیرد. عبارت دیگر فرد مکلف حتی پیش از مرگ (حال احتضار) نیز احکام و آدابی را متوجه خود می بیند که البته این احکام و آداب شامل پس از مرگ او اعم از مرحله آماده سازی برای دفن، تدفین و پس از تدفین (مراسم بزرگداشت و ترحیم) نیز می شود. این احکام البته به فراخور هر فرهنگی گاه دستخوش انحرافات نیز گردیده اند که ضرورت اقتضا می کند این احکام به طور اصیل بیان گردد و البته پالایش در اعتقادات جاری عوام صورت گیرد. غسل میت مرحله ای است از مراحل تجهیز میت و آماده سازی او برای دفن که پیش از کفن و تشییع و سایر مراحل دفن صورت می گیرد و حتی برخی غسل میت را ت، احکام و «تجهیز در طهارت» نامیده اند. درباره غسل می آداب و پادشاهی وارد شده که در ذیل به بعضی از آنها اشاره می شود؛ غسل دادن میت از فروض کفایی

است و آن گاه که عده ای اقدام به آن کردند، از دیگران ساقط می شود. ۱۹. برخی، آن ت واجب عینی و در صورت خودداری یا نبود وی، بر سایر مسلمانان واجب کفایی دانسته اند. ۲۰. اما این وجوب خود منوط به حصول شرایطی است که بدین قرار می باشند. ۱. مسلمان بودن: از شرایط مورد اتفاق فقهای اسلامی وجوب غسل میت است. بدین معنا که اگر شخص میت مسلمان نبود (اعم از شیعه و سنی) غسل او ضرورتی ندارد. ۲۱. ۲. شهید نبودن: میت غیر شهید باید غسل داده شود و شهید در معرکه غسل ندارد، به نظر همه مذاهب اسلامی ؛ البته باید بدین نکته نیز اشاره داشت که به فتوای امامیه کسی که به وسیله رجم و قصاص واجب القتل است، حاکم اسلامی به او دستور می دهد که پیش از قتل، خودش غسل میت را با آب سدر و کافور و ... انجام دهد. ۳. غسل جنین سقط شده: جنین سقط شده را، اگر چهار ماهه یا بیشتر است، باید غسل دهند، و گرنه او را در پارچه ای می پیچند و بدون غسل دفن می کنند. ۲۳. ۴. غسل مقداری از جسم: قطعه جدا شده از میت اگر همراه استخوان نیست، غسل ندارد و اگر همراه با استخوان و غیر سینه است، غسل داده، در پارچه ای پیچیده و دفن می گردد، ولی اگر سینه داشت، علاوه بر غسل، کفن کرده و نماز بر او می خوانند. همگن و مانند بودن غسل دهنده در جنسیت با میت شرط است. بر مردان غسل دادن میت زن و بر زنان غسل دادن میت مرد جایز نیست. فقها درباره غسل دادن زن و مرد چنین فتوا داده اند: اگر مرد، زن را و زن، مرد را ۳۳ غسل بدهد باطل است (خوئی و زنجانی: حرام است مرد، زن را و زن، مرد را غسل بدهد). ولی زن می تواند شوهر خود را غسل دهد و شوهر هم می تواند زن خود را غسل دهد اگرچه احتیاط مستحب آن است که زن، شوهر خود و شوهر، زن خود را غسل ندهد.

بند اول: تکفین

پوشاندن میت با کیفیتی ویژه پیش از دفن .

تکفین، واجب کفایی است؛ از این رو اقدام بر آن بر همه مسلمانان واجب است و اگر کسی اقدام کرد از دیگران ساقط می شود .

تکفین میت اعم از مرد و زن به سه تکه پارچه (لنگ، پیراهن و سرتاسری) واجب است. بعضی قدما تنها پارچه سرتاسری را واجب دانسته اند.

بند دوم: نماز گزاردن بر میت

نماز گزاردن بر میت فرض کفایی بر مسلمانان است. پس اگر یک نفر آن را به جا آورد، از دیگران ساقط می شود. کسی که می خواهد نماز می یا غسل یا تیمم باشد و بدن و لباسش پاک باشد، و اگر لباس او غصبی هم باشد، اشکال ندارد؛ اگرچه احتیاط مستحب آن است که تمام چیزهایی را که در نمازهای دیگر لازم است، رعایت کند. پس از مراسم غسل و کفن کردن میت بر جنازه او نماز مخصوص خوانده می شود که نماز میت نام دارد و البته پیش از اقامه باید شرایطی که نماز می خوانند مهیا باشد .

اقامه نماز پس از غسل.

حاضر بودن میت نیز شرط است.

قرار دادن جنازه در برابر نماز گزار ؛ میت را باید در برابر نماز گزاران قرار دهند. قرار دادن میت در برابر نماز گزار به گونه ای که در وسط میت مرد و در برابر منکب میت زن قرار گیرد، لازم نیست ولی مندوب است.

الف ؛ قرار دادن میت بر زمین:

میت باید بر زمین قرار گیرد و هنگام نماز بر دوش یا دست مردم یا روی حیوان نباشد .

ب ؛ نماز میت در حال ایستاده:

ایستاده خواندن نماز میت لازم است و کسی که بدون عذر، آن را نشسته به جا آورد، صحیح نیست. نماز میت پنج تکبیر دارد .

بند سوم: تشییع

در لغت به معنای بدرقه رفتن، به قصد وداع دنبال کسی رفتن و در مراسم رفتن مرده شرکت کردن است. در اصطلاح فقهی خارج شدن و رفتن دنبال جنازه میت تا زمانی که میت را در قبر می گذارند .

معنی اصطلاحی تشییع مترادف با معنی لغوی اخیر آن است (در مراسم دفن مرده شرکت کردن) .

بند چهارم: دفن

در قبر نهادن میت و دفن او پس از غسل دادن، تکفین و خواندن نماز میت، مطابق با احکام و آداب شرعی از زمان حضرت آدم و به خاک سپرده شدن هابیل به دست قابیل با ارشاد الهی است. حکمت خاک سپاری متوفی، اموری چون رعایت حرمت جنازه، پنهان ماندن آن از انظار مردم، در امان بودن جسد از آزار دشمنان، جلوگیری از اندوه دوستان و پیشگیری از آزرده گی مردم به سبب انتشار بوی جسد یا فساد آن به شمار رفته است. این حکمتها اقتضا دارد که عمق قبر کم نباشد و به اندازه ای باشد که از تأثیر عوامل بیرونی مصون بماند (التفحیح، ج ۹، ص ۲۸) در رابطه با مشخص نبودن قبله برای دفن میت لازم به یادآوری است که در فرض مذکور اگر با تأخیری که ضرر به میت و سایرین ندارد، بتوان جهت قبله را مراعات نمود، باید تأخیر انداخت ؛ و گرنه به طرفی که گمان به قبله دارند دفن کنند .

نتیجه گیری

مکلف، به شخص بالغ و عاقلی گفته می شود که مورد خطاب شارع قرار گرفته و احکام شرعی متوجه او می گردد؛ به بیان دیگر، مکلف، یعنی شخص بالغ و عاقلی که مورد امر یا نهی شارع مقدس قرار گرفته است. در اصطلاح فقهی، «تکلیف» به عمل و وظیفه ای گفته می شود که از سوی شارع مقدس بر عهده بنده گذاشته شده است؛ شخصی که مورد خطاب این تکالیف قرار می گیرد نیز «مکلف» گفته می شود و تجهیز میت مسلمان بر هر مکلفی واجب کفایی است. برخی، آن را بر ولی میت واجب عینی و در صورت خودداری یا نبود وی، بر سایر مسلمانان واجب کفایی دانسته اند و مکلفین میت را باید طوری دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم به او دسترسی پیدا نکنند، اگر ترس آن باشد که جانور به جسد آسیب رساند باید قبر او را با آجر و مانند آن محکم کنند. مضافاً اینکه هنگام دفن کردن باید میت را در قبر به پهلوی راست بخوابانند به طوری که رو به قبله باشد. دفن مسلمان باید رو به قبله باشد و هرگاه قبله را پیدا نکند باید به گمان خود عمل نماید و اگر تحصیل گمان ممکن نیست و نیاز به دفن میت دارد به هر طرف که انجام دهد صحیح است.

منابع و مأخذ

- قانون مدنی ایران
- شهید الثاني، زین الدین بن علی، مسالك الافهام الى تنقيح شرائع الاسلام، انتشارات دارالهدی، جلد ۱، صفحه
- طباطبایی تبریزی، محمد کاظم، العروة الوثقی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ق، جلد ۱، صفحه ۲۸۶
- قدسی مهر، خلیل، الفروق المهمه فی الاصول الفقهيّه، انتشارات دارالتفسير، ۱۳۷۷، صفحه ۴۲.
- محقق کرکی، علی بن حسین، جامع المقاصد، جلد ۲، صفحه ۳۸۹.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعه فی احکام الشریعه، قم، جلد ۳، صفحه ۷۸، ۱۴۱۵ق.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، چاپ دوم، جلد ۴، صفحه ۴۵، ۱۳۶۵ش